

نقد کتاب پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق

ناصر قاسمی*

چکیده

پزشکی دانشی است که بشر از دیرباز ضرورت وجود آن را در زندگی خویش پذیرفته و احساس کرده است و استفاده‌های فراوانی از آن برده است. از جمله این کاربردها تلاقی پزشکی با موضوع بسیار مهم قضاوت و مسائل متنوع حقوقی و به عبارتی، پزشکی قانونی است که ریشه در اعصار کهن و تمدن‌های قدیمی مانند سومر، بابل، به ویژه دوران حمورابی و میان ملت‌ها خصوصاً ایران باستان دارد که گذر زمان نیز موجب بروز تحولات قابل توجهی در این عرصه شده است. از شروع قرن بیستم تاکنون که علوم مختلف مانند پزشکی به رشد و شکوفایی چشمگیری دست یافته اند؛ پزشکی قانونی نیز همراه با این پیشرفت‌ها متحول شده است و از جایگاه بسیار مهمی در دو بعد نظری و عملی در تمامی کشورها برخوردار شده است.

بهره‌مندی از این علم به معنای کاربرد دانش پزشکی در عرصه‌های مختلف:
۱. اجتماعی ۲. امور نظام پزشکی ۳. حقوق و قضایی است که قلمرو اخیر از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا از یک سو طب، قضا، قوانین و مقررات را به یکدیگر پیوند داده است و از سوی دیگر، سبب ارتباط میان متخصصین گرایش‌های گوناگون پزشکی و رشته‌های وابسته با مراجع قضایی و حقوقدانان شده است.
پزشکی قانونی با اتکاء به نظریات تخصصی و ضوابط قانونی به پرسش‌ها، ابهامات و چالش‌های مربوط به موضوعات گوناگون مدنی و جزایی درباره اشخاص و شرایط آن‌ها اعم از شکات، زیان‌دیدگان و متهمان در رهگذر مسئولیت‌ها، خسارات و جرایم پاسخ

* دکترای تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، استادیار پایه ۲۶ و مدیر گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران، Dr.ghasemi76@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۲

می‌دهد و به تشخیص مطلوب‌تر مسائل حقوقی، حوادث و جرایم رخ داده، حقوق اشخاص و اجتماع، تقویت آگاهی‌های علمی قضات، پژوهشگران و دانشجویان حقوق کمک شایانی می‌کند و در راستای انجام وظایفش به تنظیم گواهی‌ها و گزارشات و نیز ارائه مشورت‌های موثر مبادرت می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: پزشکی قانونی، طب و قضا، دانش حقوق و چالش‌ها، زبان‌ها و جرائم.

۱. مقدمه

دانش پزشکی قانونی که مورد استفاده گسترده بخش‌های مختلف دستگاه قضایی می‌باشد و در دانشگاه‌ها در مقاطع تحصیلی کارشناسی، ارشد و دکتری گرایش حقوق به نحو اعم و حقوق جزا و جرم‌شناسی به طور اخص مورد تدریس قرار می‌گیرد، به دلیل کاربرد تخصص‌های گوناگون پزشکی قانونی در امکان تشخیص، بررسی و گره‌گشایی از معضلات و چالش‌های حقوقی و قضایی است. زیرا پزشکان قانونی در نظام‌های درمانی، بیمه، دانشگاهی، قضایی و دیگر رشته‌های مرتبط انجام وظیفه می‌نمایند و در گرایشات مهمی نظیر: سم‌شناسی قانونی، آسیب‌شناسی قانونی و اخلاق پزشکی خدمات قابل توجهی ارائه می‌کنند. به این ترتیب، پزشکی قانونی با تکیه بر اطلاعات تخصصی، علمی و مهارت‌هایی که در اختیار دارد ابهامات و نقاط تاریک موضوعات مطروحه و حوادث رخ داده را برطرف می‌نماید. اهمیت بهره‌مندی از این دانش به گونه‌ای است که می‌توان گفت ارائه قضاوت درست و اجرای صحیح عدالت قضایی در موارد عدیده‌ای، مستلزم استعانت از متخصصین دانش مزبور و تطابق نظریات ابرازی پزشکان قانونی با نصوص قانونی مربوط می‌باشد. از آن‌جا که در بررسی‌های پزشکی قانونی، اشخاص مختلف اعم از متهم و مجنی‌علیه، پزشک و غیرپزشک، بیمار(فیزیکی-روحي و روانی) و غیربیمار و نیز موضوعات و وقایع و رخداد‌های گوناگون مورد توجه قرار می‌گیرد؛ تنوع و گستره این دانش و اقدامات آن و استعلامات به عمل آمده نیز از دایره وسیعی برخوردار است بر این مبنا، مسائلی چون: پذیرش مسئولیت مدنی و جزایی، میزان یا فقدان آن به لحاظ احراز یا عدم احراز بیماری‌ها، حالاتی مثل مستی و اعتیاد و تاثیرگذاری آن‌ها بر رفتارها و جرایم- تشخیص قتل و مرگ و تمیز آن‌ها از هم-نوع جنایات و صدمات وارده بر اعضا و منافع مجنی‌علیه(حارصه، دامیه، متلاحمه،...جائفه، نافذه،...، سیاهی، کبودی و سرخی دبه عقل شنوایی،...) بر مبنای مواد ملحوظ در کتاب دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲،

تعیین میزان دیه غیر مقدر با توجه به معیارهای مذکور در ماده ۴۴۹ قانون یاد شده و نیز با بهره‌مندی از قوانین خاص صرف‌نظر از قانون مجازات اسلامی بررسی برخی دیگر از موضوعات مانند انحرافات جنسی، نوزاد کشی و کودک‌آزاری-بررسی صحنه جرم و سلاح‌ها، وسایل، سموم و آثار به جا مانده در آن- تقصیر و تخلف پزشکی، راز پوشی پزشک ...، در این عرصه پیگیری و ارزیابی می‌گردد و با نتایج حاصله، نقش موثر خود را در صدور دستور و اتخاذ تصمیمات قضایی مناسب ایفا می‌نماید و صاحب‌نظران و دانش‌پژوهان حقوق را از این توانمندی‌ها آگاه می‌سازد.

۲. «معرفی کلی اثر»

کتاب «پزشکی قانونی» (Forensic Medicine) توسط دو تن از استادان صاحب‌نظر در عرصه علوم پزشکی و مدرسین دانشگاه که مطالعاتی نیز در قلمرو حقوق قضایی دارند، در چاپ چهارم در تهران و در سال ۱۳۸۶ توسط انتشارات سمت و در آخرین چاپ توسط همان ناشر در نوبت یازدهم و در تابستان ۱۳۹۳ انتشار یافته است. در این اثر، همان‌گونه که در عنوان آن تصریح شده است، مطالب در دو گستره پزشکی و حقوقی و البته با غلبه مباحث طبی مورد طرح و ارزیابی واقع شده‌اند.

اثر مورد بحث به بیان ریشه‌های تاریخ پزشکی قانونی در میان ملل و اقوام مختلف نظیر مصر، یونان، چین، ایران و هند پرداخته و از جایگاه این دانش از گذشته‌های دور تا حال حاضر سخن گفته است. به علاوه، مهم‌ترین استفاده ابزاری از این دانش در همراهی با مسایل حقوقی و قضایی اعم از تشخیص بلوغ، جنون، الکلی در خون (مستی)، مواد مخدر و روان‌گردان (اعتیاد)، سموم، انواع مرگ و چگونگی وقوع قتل و علت یا علل تأمه آن و نیز تعیین علت تأمه یاد شده در صدمات جانی ناشی از تصادفات رانندگی، میزان نوع صدمات و جراحات وارده بر اعضای اشخاص و تعیین دیات مقدر و غیرمقدر (ارش)، تشریح اجساد و ... را تبیین کرده و درباره آن‌ها به ارایه دیدگاه‌های فنی و تخصصی مبادرت نموده است. در این اثر، موضوعات طی هشت (۸) بخش با عناوین زیر طبقه‌بندی شده‌اند:

۱. اخلاق پزشکی (medical ethics)، [در آخرین چاپ عنوان این بخش به «اخلاق و حقوق پزشکی» تغییر یافته است.

۲. مرگ‌شناسی (thanatology) و آسیب‌شناسی قانونی در مرگ‌ها؛

۳. اشکال گوناگون آسیب و مرگ و ملاحظات پزشکی قانونی؛
۴. ضرب و جرح (assault and battery)؛
۵. حاملگی، سقط، نوزادکشی و کودک آزاری؛
۶. دندانپزشکی قانونی و روانپزشکی قانونی؛
۷. بررسی صحنه جرم، صدمات ناشی از سلاح‌های گرم و انفجارات؛
۸. سم‌شناسی قانونی (Legal toxicology): (انصاری، ۱۳۸۰: ۱۱۹-۱۸۰-۲۸۵؛ حکمت، ۱۳۶۹: ۲۷-۳۳-۸۱-۹۷-۱۷۹).

لازم به یادآوری است که بخش نهم این کتاب نیز به عنوان «ضمایم» اختصاص یافته است.

تلاش نویسندگان ارجمند اثر مزبور برای هرچه بهتر ارایه کردن مطالب و ایجاد بستری مناسب برای بهره‌مندی مطلوب‌تر از موضوعات و در نتیجه فراهم نمودن زمینه بیشتر برای کارایی و استفاده کاربردی از مفاد کتاب توسط مراجع ذیربط، به ویژه قضات در فرآیند تعقیب، دادرسی و رسیدگی‌های قضایی (به خصوص کیفری)، به علاوه نشان دادن نقاط مثبت و منفی، مفید و زیان‌بار، مواردی از رفتارهای بهنجار، نابهنجار، مجرمانه و بعضاً مغایر با اصول و موازین دینی و اخلاقی، شایان توجه و در خور تقدیر است؛ به گونه‌ای که وجود پاره‌ای از تقایص و ایرادات نمی‌تواند از ارزشمندی این اثر بکاهد.

۳. ارزیابی شکلی و ماهیتی اثر

۱،۳ امتیازات و موارد مثبت اثر علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
از جمله موارد مثبت شکلی که در کتاب مورد ارزیابی وجود دارد و می‌توان از آن سخن گفت عبارت از موارد زیر می‌باشد.

۱،۱،۳ شکلی

۱. اثر یاد شده از حیث حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی و طرح جلد مناسب و قابل قبول می‌باشد.
۲. مزین بودن به تصویر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (قدس سرّه)؛

۳. حجم کتاب و مطالب مورد بحث با واحدهای درسی دانشکده‌های حقوق در مقطع کارشناسی متناسب است.
۴. مزیت دیگری که می‌توان برای این اثر در نظر گرفت رسا بودن و روانی متن و امکان دریافت آسان اغلب مطالب برای خوانندگان و دانشجویان می‌باشد.
۵. آراستن کتاب به جمله‌ای از حضرت امام خمینی (ره) از صفحه ۸۱، جلد دوازدهم صحیفه نور در ابتدای آن؛
۶. زوج بودن بخش‌های کتاب و تنظیمی در فهرست مطالب؛

۲،۱،۳ ماهیتی

در این کتاب نقاط مثبتی وجود دارد که به منظور ارج نهادن به زحمات نویسندگان محترم آن می‌بایست مورد توجه واقع شود. مهم‌ترین جهات دارای اهمیت عبارتند از:

۱. طرح و بررسی مباحثی از پزشکی قانونی و مرتبط با حقوق کیفری که کاربرد زیادی در رسیدگی‌های جزایی دارند.
۲. اقدام به گردآوری دسته‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات مورد نیاز و ارایه مفاهیمی از آن‌ها، به منظور فراهم کردن امکان بهره‌برداری بهتر و آسان‌تر از نصوص قانونی (به ویژه قانون مجازات اسلامی) و گواهی‌های پزشکی قانونی صادره در تعیین دیات و مقدر و غیرمقدر (ارش)، که صرف نظر از مراجع قضایی، برای استادان و دانشجویان با گرایش‌های تحصیلی متفاوت، علاقه‌مندان به این بخش از مسایل علمی (حقوقی-فقهی-پزشکی) و... نیز سودمند خواهد بود.

۲،۳ ایرادات شکلی و ماهیتی اثر

۱،۲،۳ ایرادات شکلی اثر

در کتاب یاد شده، صرف نظر از نقاط قوت شکلی، کاستی‌هایی نیز وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱،۱،۲،۳ در ابتدای اثر

۱. اختصاص دادن عنوان کتاب به دانشجویان رشته حقوق موجه نیست، زیرا دانشجویان رشته‌های دیگر مانند پزشکی نیز می‌توانند از این اثر بهره‌برداری کنند.
۲. اختصاص ندادن صفحه مستقل برای آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» ایرادی است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت.

۲،۱،۲،۳ در فهرست مطالب

۱. در این چاپ و نیز آخرین آن، میان عنوان‌های فهرست و شماره صفحات نقطه‌گذاری نشده است.
۲. در هر دو چاپ موردنظر در تنظیم ساختار فهرست از اعداد (فهرست کاربردی) استفاده نشده است.
۳. تقسیم‌بندی بخش‌های فهرست به فصول متوازن نیست، زیرا بخش‌های اول و سوم دارای شش فصل و بخش هشتم دارای هفت فصل و بخش ششم دارای چهار فصل و بخش‌های دوم، چهارم، پنجم و هفتم دارای پنج فصل می‌باشند. البته در چاپ اخیر بخش چهارم دارای چهار فصل شده است و از فصول آن نسبت به چاپ قبل کاسته شده است.
۴. اختصاص دادن عنوان «کلیات» تنها به فصل اول از بخش هشتم در هر دو چاپ صورت پذیرفته است و سایر بخش‌ها فاقد چنین عنوانی می‌باشند.
۵. برخی از فصول در بخش‌های فهرست فاقد هرگونه عناوین فرعی (زیرمجموعه) هستند مانند: فصول اول، چهارم، پنجم و ششم از بخش اول و فصل ششم از بخش سوم و فصل اول در بخش چهارم و فصل سوم از بخش پنجم و فصل چهارم از بخش هفتم و فصل دوم از بخش هشتم، هم‌چنین در چاپ کنونی نیز فصل چهارم، از بخش هفتم و فصل دوم از بخش هشتم فاقد زیرمجموعه می‌باشند.
۶. مواردی از فصول بخش‌ها که دارای زیرمجموعه هستند از حیث تعداد این عناوین با هم تفاوت فراوان دارند. این تفاوت‌ها عبارتند از:
 - ۶-۱. در برخی فصول مانند فصل اول و چهارم بخش پنجم و فصل اول بخش هشتم دارای یک زیرمجموعه هستند.

۲-۶. در برخی فصول مانند: فصول دوم و سوم بخش اول، فصل پنجم از بخش دوم، فصول اول و دوم و چهارم بخش سوم، فصل پنجم از بخش پنجم، فصل سوم از بخش هفتم، فصول سوم، چهارم و ششم از بخش هشتم دارای دو زیرمجموعه می‌باشند.

۳-۶. در دیگر فصول از بخش‌های این اثر دارای سه، چهار، پنج، شش، هفت، هشت، هفده، بیست و یک و بیست و سه عنوان‌های فرعی هستند.

۴-۶. در نوبت چاپ اخیر، فاقد زیرمجموعه بودن فصول و یا دارا بودن یک، دو و یا چند زیرمجموعه در فصول مختلف بخش‌های کتاب به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، توازن قابل قبول از این حیث وجود ندارد؛ زیرا دامنه نوسان و تفاوت تعداد زیرمجموعه فصول از یک عنوان تا بیست و سه عنوان بسیار فاحش خواهد بود.

۷. اصولاً عنوان‌ها باید دارای ردیف اعم از کلمات (گفتار - مبحث - قسمت - بند و ...) و یا حروف اعم از ابجد (الف، ب، ج، د، ه، و ...) و یا الفبایی (الف، ب، پ، ت و ...) و یا اعداد (۱-۲-۳ و ...) باشند، در حالی که عنوان‌ها نه در چاپ موردنظر و نه در آخرین چاپ آن دارای هیچ یک از کلمات، حروف و یا اعداد مورد اشاره نیستند و این موضوع بدون تردید از ایرادات قابل توجه شکلی بشمار می‌رود که مستلزم اصلاح می‌باشد.

۸. جمله بودن برخی عنوان‌ها در فهرست مطالب یکی دیگر از ایرادات مطروحه می‌باشد که در عناوین ردیف پنجم، یازدهم و هجدهم (۵-۱۱-۱۸) فصل پنجم از بخش چهارم و عنوان‌های فصل پنجم از بخش پنجم وجود دارد که در چاپ اخیر این ایراد مرتفع گردیده است.

۹. در عنوان اول فصل پنجم از بخش پنجم اشکال نگارشی وجود داشت که در چاپ اخیر اصلاح شده است؛ به این ترتیب که در انتهای این عنوان به جای کلمه اشتباه (در) در چاپ مورد ارزیابی، از کلمه (برای) در چاپ فعلی استفاده شده است که با این اصلاح عملاً ایراد یاد شده برطرف نگردیده است.

۳,۱,۲,۳ در متن

مهم‌ترین اشکالات شکلی که در متن اثر حاضر وجود داشته و قابل توجه می‌باشد عبارتند از:

۱. رعایت نشدن ضابطه شروع پاراگراف در بسیاری از صفحات کتاب مانند پاراگراف اول، صفحه اول، پاراگراف اول صفحه پنجم، پاراگراف دوم صفحه شانزده، پاراگراف دوم

صفحه سی و دو، پاراگراف اول صفحه سی و هفت، و به همین منوال در صفحات دیگر کتاب مانند چهل، هفتاد و نه، هشتاد و دو، هشتاد و سه، هشتاد و چهار، هشتاد و پنج، هشتاد و هشت، نود و پنج، نود و شش، نود و هفت، نود و هشت، صد، صد و چهار، صد و پنج، صد و شش، صد و هفت، ... دویست و بیست و دو، دویست و بیست و سه، دویست و بیست و چهار، ... دویست و نود و دو، دویست و نود و سه، ... سیصد و بیست، سیصد و بیست و یک، سیصد و سی و چهار، سیصد و سی و پنج، ... چهارصد و بیست و یک، چهارصد و بیست و دو، چهارصد و بیست و سه.

این ایراد در آخرین چاپ اثر مورد بررسی نیز در صفحات بسیاری وجود دارد که به عنوان مثال عبارتند از: صفحات هشت، هجده، بیست و چهار، بیست و پنج، ... هشتاد و چهار، هشتاد و پنج، ... صد و هشتاد و نه، صد و نود، ... دویست و بیست، ... دویست و پنجاه و شش، ... سیصد و نه، ... سیصد و سی و دو، ... سیصد و شصت و شش، سیصد و شصت و هفت، ... چهارصد، چهارصد و یک و چهارصد و دو.

۲. استفاده از کلمات و عباراتی که در نگارش‌های علمی متعارف نمی‌باشد و یا ممکن است به ندرت از آن‌ها بهره برده شود مانند:

«بسیار بسیار گسترده» در سطر بیست و دوم صفحه دوم، «خانواده پژوهندگان علم حقوق» در سطر اول صفحه دوم، «عرضه دارند» در سطرهای بیست و دوم - سوم صفحه سوم، «زیرپوستی‌اند» در سطر ششم صفحه یکصد و شصت و نهم، «قراین متضاد استنباط‌هایش» در سطر هشتم صفحه سیصد و بیست، «گوناگونی‌اند» در سطر اول صفحه سیصد و بیست و یک، «متعارفی‌اند» در سطر دوازدهم صفحه سیصد و چهل، «روان - تنی‌اند» در سطر سوم صفحه سیصد و هشتاد و نهم، ...

در چاپ اخیر نیز نمونه‌هایی از موارد مزبور وجود دارد نظیر عبارت «زیرپوستی‌اند» در سطر دوم صفحه صد و هفتاد، «متعارفی‌اند» در سطر چهاردهم صفحه سیصد و بیست و سه، ...

۳. اشکال دیگری که در اثر مورد بررسی وجود دارد سرهم نویسی کلمات، حروف و علائم است که برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«کارشناسیها» - در صفحه دوم، «سالهاست» - «گرایش‌های» - در صفحه سوم، «بدان» - در صفحه بیست و سوم، «دستپاچگی» - در صفحه بیست و هفتم، «بخش‌های» - در صفحه چهلم، «بدین» - در صفحات متعدد نظیر: چهل و دو، هشتاد و سوم، نود و چهارم،

سیصد و بیست و یکم، «بایگانیها» - در صفحه یکصد و دهم، «چینه‌های» - در صفحه یکصد و یازدهم، «همچنین» - «جنبشهای» - در صفحه یکصد و هجدهم، و ... در چاپ اخیر این کتاب نیز ایراد یاد شده مرتفع نگردیده است که در این باره می‌توان به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره کرد:

«بدین» - در سطر آخر صفحه نود و نهم، «همچون» - در سطر نهم صفحه یکصد و - یازدهم، «تصادف‌های» - در سطر بیست و پنجم صفحه یکصد و سی و ششم، «خودزنیهای» - در سطر پانزدهم صفحه یکصد و سی و هفتم، «طنابهای» - در سطر سوم و «خفگیها» - در سطر نوزدهم صفحه یکصد و پنجاه و دوم، «بدین» - در سطر پانزدهم صفحه دویست و سوم، «بدین» - در سطر هفتم و «سرشکستگیهای» در سطر پنجم صفحه سیصد و نهم، «آسایشگاههای» - در سطر یازدهم صفحه سیصد و دهم (صبری، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

۴. استفاده نکردن و یا کاربرد نادرست علائم مانند ویرگول و نقطه پس از کلمات، عبارات و جملات، که در صفحات گوناگون کتاب اعم از چاپ ارزیابی شده و چاپ اخیر (در هر دو کتاب) وجود دارد. مواردی از ایراد موجود در چاپ چهارم عبارتند از:

اول: مواردی که ویرگول‌گذاری نشده‌اند مانند: پس از کلمه «بنابراین» در سطر نوزدهم صفحه سی، در سطر هشتم صفحه سی و هفتم، در سطح پنجم صفحه یکصد و دهم، در سطر ششم صفحه دویست و شصت و پنجم، در سطر پنجم صفحه سیصد و چهارم، و ... پس از «به عبارت دیگر» در سطرهای اول و هشتم صفحه سی، در سطر چهارم صفحه سیصد و سی و ششم، و ... بعد از کلمه «لذا» در سطر هشتم صفحه بیست و سوم، در سطر نوزدهم صفحه یکصد و هشتاد و دوم، در سطر پانزدهم صفحه دویست و نود و دوم، در سطرهای هفتم و هجدهم صفحه دویست و نود و سوم، در سطر اول صفحه چهارصد و شانزدهم، و ...

هم‌چنین، به دنبال واژه‌ها، عبارت‌ها و جمله‌هایی هم‌چون: «مطرح است» - در سطر دوم صفحه پنجم، «امتناع نماید» - در سطر ششم صفحه بیست و دوم، «مطلوب نیست» - در سطر بیست و دوم صفحه سی، «پذیرد» - در سطر دهم صفحه سی و - دوم، «به هر صورت» - در سطر یازدهم صفحه سی و هفتم، «موارد مذکور» در سطر دوم صفحه چهارم، «افقی است» - در سطر دوازدهم صفحه یکصد و پنجاه و سوم، «پرداخته‌ایم» - در سطر هفدهم صفحه دویست و بیست و سوم، «آنچه گفته شد» - در سطر سیزدهم و «محاسبه

نمایند» - در سطر چهاردهم صفحه دویست و شصت و پنجم، «اشاره شد» - در سطر پنجم صفحه دویست و شصت و نهم، «پس» و «که» - در سطر سوم صفحه دویست و هفتاد و سوم، «شروع می‌شود» - در سطر هجدهم صفحه دویست و هشتاد و چهارم، «قرار گیرد» - در سطر پنجم صفحه سیصد و دوازدهم، «به عبارت دیگر» - در سطر چهارم صفحه سیصد و سی و ششم، «بیرون است» - در سطر یازدهم صفحه سیصد و سی و نهم، و ...

این اشکال در چاپ کنونی نیز وجود دارد که اینک به مواردی از آن استناد می‌گردد: «عقلانی است» - در سطر هفتم صفحه یازدهم، «شایان ذکر است» - در سطر هفتم صفحه بیست و چهارم، «بررسی» - در سطر هفدهم صفحه بیست و چهارم، «دارد» در سطر هشتم صفحه سی و دوم، «در اصل» - در سطر چهارم صفحه هشتاد و دوم، «قانونی» - در سطر سوم صفحه یکصد و یازدهم، «فعل است» - در سطر دهم صفحه یکصد و سی و هفتم، «حادث شود» - در سطر یازدهم صفحه یکصد و پنجاه و دوم، «جرح» - در سطر سوم و «که» - در سطر هفتم و «که» - در سطر یازدهم صفحه دویست و سوم، «گفته شد» - در سطر بیست و یکم صفحه دویست و هشتاد و هشتم، «در کشور ما» - در سطر نهم صفحه دویست و نود و هشتم، «نباشد» - در سطر بیستم صفحه سیصد و یازدهم. در اثر جدید، پس از کلمه «نمی‌برد» - در سطر پانزدهم صفحه بیست و پنجم، در آخر سطرهای چهاردهم و شانزدهم صفحه دویست و هشتاد و هشت، در آخر سطرهای نهم - دهم - یازدهم - دوازدهم الی شانزدهم در صفحه سیصد و یکم، و ...

دوم: مواردی که می‌بایست نقطه به ویرگول تبدیل شود مانند: پس از فعل «نمی‌برد» - در سطر شانزدهم صفحه بیست و سوم، «نمایند» - در سطر چهاردهم صفحه یکصد و سی و ششم، «ممکن است» - «یا این‌که» - در سطر هفتم صفحه دویست و هفتاد و ششم، «درست نیست» - در سطر هشتم صفحه سیصد و بیستم، و ... (صبری، ۱۳۸۲: ۳۳۲-۳۳۵؛ کاخی، ۱۳۷۸: ۱۹۹؛ غلامحسین‌زاده، ۱۳۷۹: ۳۳-۴۳؛ سمیعی، ۱۳۷۸: ۲۲۸؛ امینی، ۱۳۷۸: ۱۳۵).

۵. در نگارش متن کتاب گاه کلمات ترکیبی مورد استفاده واقع شده است که محل ایراد است مانند: ترکیب «چرا» و «که» (چرا که) در سطر پنجم صفحه بیست و سوم - سطر بیست و یکم صفحه چهل و یکم - سطر دوم صفحه هشتاد و سوم - سطر ششم صفحه

دویست و هفتاد و ششم - در سطر هشتم صفحه چهارصد و چهارم - که بهتر بود از کلمه «زیرا» استفاده می‌گردید.

ترکیب «بدین» و «سان» (بدین‌سان) در سطر هجدهم صفحه هشتاد و سوم، که به جای آن می‌توان از عبارت «به این شکل»، یا «به این گونه» و مانند آن بهره جست.

۶. در متن کتاب موردنظر، گاه از واژه‌ها و یا عباراتی استفاده شده است که در گویش و نگارش کنونی بسیار اندک وجود دارد. مانند: «نواحی خطا» در سطر سوم صفحه شصت و یکم، «واجد ایجاز» در سطرهای نهم و دهم صفحه دویست و بیست و دوم، «تجئن» در سطر نوزدهم صفحه سیصد و سی و هفتم، و ... ایراد مزبور در چاپ اخیر نیز وجود دارد که به ترتیب در سطر دوم صفحه شصت و سوم، سطر نهم صفحه دویست و بیست و چهارم و سطر نوزدهم صفحه سیصد و بیستم قابل مشاهده است. البته این چند مورد به عنوان نمونه بیان شده است و به منزله محدود بودن به این‌ها نیست.

۷. در صفحاتی از کتاب، عبارات و جملاتی آورده شده است که از لحاظ نگارشی نیازمند بازنگری و اصلاح است، مانند سطرهای سوم و چهارم صفحه بیست و سوم، در پاراگراف آخر صفحه دویست و شانزدهم، پاراگراف سوم صفحه سیصد و سیزدهم، و ... در چاپ اخیر نیز این اشکال برطرف نگردیده است و به ترتیب در ابتدای صفحه بیست و پنجم، در پاراگراف آخر صفحه دویست و هجدهم و ابتدای صفحه دویست و - نوزدهم، پاراگراف آخر صفحه دویست و هفتاد و پنج، و ...

۸. ضرورت تبدیل نقطه در خلال سطرهای متن و یا در انتهای عبارات در صفحات متعدد در چاپ اول (۱۳۸۴) و در چاپ اخیر (۱۳۹۳)، ایراد دیگری است که قابل توجه می‌باشد، مانند: صفحات بیست و چهارم، سی و هفتم، چهل و سوم، چهل و - چهارم، چهل و پنجم، چهل و ششم، چهل و هفتم الی هفتاد و ششم و صفحات دویست و پنجم، دویست و ششم، دویست و شانزدهم، دویست و پنجاه و هفتم، دویست و شصت و چهارم، سیصد و دوم، چهارصد و هفتم، چهارصد و هشتم و ...

۹. اصولاً در هنگام رایة تعریف در باره یک موضوع، دیدگاه علمی صاحب‌نظر، متن یک ماده و مقرر قانونی، نگرش دینی نسبت به مقوله یا رفتار و مانند آن، توضیح پیرامون یک مطلب، طبقه‌بندی موضوعات، بیانی می‌بایست استفاده شود. در کتاب ارزیابی شده موارد متعددی وجود دارد که این اقدام صورت نپذیرفته است و از این حیث، متن مزبور مستلزم اصلاح می‌باشد که در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

پس از جمله «عبارت است از» در سطر چهاردهم صفحه چهارم، سطر سوم صفحه شصت و یکم، سطر هجدهم صفحه سیصد و بیستم، سطر پنجم صفحه سیصد و بیست و یکم، سطر ششم صفحه سیصد و ششم، و بعد از کلمه «مانند» در سطر سوم صفحه شصت و سوم، و به دنبال کلمات «اولاً و ثانیاً» در سطرهای سوم و چهارم صفحه دویست و هفتاد و سوم، ...

۱۰. کاربرد اول شخص مفرد و جمع در اثر موردنظر به جای سوم شخص، ایراد قابل توجه دیگری است که بایستی مرتفع گردد. اشکال یاد شده به صورت پراکنده و متعدد قابل مشاهده است که تنها به مواردی از آن استناد می‌شود، «خواهیم پرداخت» در سطر آخر صفحه هجدهم، «می‌دانیم» در سطر سوم صفحه چهارم، و در سطر پانزدهم صفحه یکصد و یازدهم و در سطر هفتم صفحه یکصد و بیست و ششم، «کنیم» در سطر اول صفحه چهل و دوم، «گردیم» در سطر هفتم صفحه یکصد و نهم، «می‌شویم» در سطر نوزدهم صفحه یکصد و ششم «می‌پردازیم» در سطر پنجم صفحه دویست و هشتم، و سطر هجدهم صفحه دویست و بیست و سوم «پرداخته‌ایم» در سطر هفدهم صفحه دویست و بیست و سوم، و ...

در چاپ جدید نیز این ایراد به چشم می‌خورد که به عنوان نمونه عبارتند از: «می‌نماییم» در سطر هجدهم صفحه هفتم، «خواهیم پرداخت» در سطر چهاردهم صفحه بیستم، «بحث ما» در سطر ششم صفحه بیست و یکم، «اشاره کنیم» در سطر بیست و سوم صفحه چهل و سوم، «می‌کنیم» در سطر هفدهم صفحه دویست و - بیست و پنجم، و ...

۱۱. مورد دیگری که در این رهگذر شایان ذکر است، نگارش فراوان فعل‌های ناقص در این متن می‌باشد. اکنون نمونه‌هایی از آن بدون توجه به سطرها و تنها با بیان افعال و صفحات مربوط ارایه می‌گردد:

فعل «شده» در صفحات بیست و هفتم، چهل و یکم، پنجاه و یکم، پنجاه و سوم، یکصد و دهم، یکصد و هجدهم، دویست و شصت و چهارم، دویست و هفتاد و هفتم، سیصد و هشتاد و نهم، و ...

فعل «داده» در صفحات بیست و دوم، سیصد و پنجم، سیصد و چهارم، و ...
افعال «دیده» در صفحه چهل و یکم، «صادر شده» در صفحه چهل و پنجم، «یافته» در صفحه یکصد و دهم، «از دست داده» در صفحه یکصد و نوزدهم، «کرده» در صفحه یکصد

و سی و ششم، «گردیده» در صفحه دویست و سی و سوم، «داشته» در صفحه دویست و هفتاد و ششم، «مانده» در صفحه دویست و هشتاد و - چهارم، و...

۱۲. تکرار زیاد برخی واژه‌ها، ایراد شایان ذکر دیگری است که کلمات «لذا»، «عدم»، «هنگام» و «هنگامی» از آن جمله‌اند. از کلمه «لذا» در صفحات بیست و سوم، بیست و پنجم، هشتاد و دوم، یکصد و بیست و سوم، کیصد و هشت و دوم، یکصد و -نودم، دویست و هفتاد و سوم، دویست و نود و چهارم، چهارصد و ششم، چهارصد و یازدهم، چهارصد و شانزدهم، چهارصد و بیست و سوم، و... بهره گرفته شده است.

از واژه «عدم» نیز در صفحات گوناگون مانند: سیزدهم، بیست و سوم، پنجاه و سوم، پنجاه و هشتم، پنجاه و نهم، دویست و هفتاد و ششم، سیصد و سی و هشتم، و... استفاده گردیده است.

واژه‌های «هنگام» و «هنگامی» هم به صورت مکرر در نگارش متن کتاب مورد توجه نویسندگان محترم واقع شده است. صفحاتی مانند:

نهم، بیست و دوم، بیست و سوم، سی و دوم، سی و پنجم، نود و سوم، یکصدم، یکصد و دوم، یکصد و چهارم، یکصد و هفتم، یکصد و هشتم، یکصد و - سیزدهم، یکصد و شانزدهم، یکصد و سی و ششم، یکصد و سی و هفتم، یکصد و - چهل و دوم، یکصد و چهل و هشتم، یکصد و چهل و نهم، یکصد و پنجاهم، یکصد و - پنجاه و یک، یکصد و پنجاه سوم، یکصد و پنجاه و چهارم، یکصد و پنجاه و هفتم، یکصد و پنجاه و هشتم، یکصد و شصت و چهارم، یکصد و شصت و پنجم، یکصد و - شصت و ششم، یکصد و شصت و نهم، یکصد و هفتادم، یکصد و هفتاد و یکم، یکصد و هفتاد و سوم، یکصد و هفتاد و چهارم، یکصد و هفتاد و پنجم، یکصد و هفتاد و - هشتم، یکصد و هشتاد و هشتم، یکصد و هشتاد و یکم، یکصد و هشتاد و چهارم، یکصد و - هشتاد و پنجم، یکصد و - هشتاد و نهم، یکصد و دویست و هشتاد و سوم، دویست و نود و سوم، دویست و نود و هفتم، سیصد و دوازدهم، سیصد و بیستم، سیصد و هفتاد و هشتم، سیصد و هفتاد و نهم، سیصد و هشتاد و دوم، سیصد و هشتاد و ششم، سیصد و نود و پنجم، چهارصد و - یکم، چهارصد و پنجم، چهارصد و هشتم، چهارصد و نهم، چهارصد و دهم، چهارصد و یازدهم، چهارصد و پانزدهم، چهارصد و هفدهم، چهارصد و نوزدهم و...

گاه در یک صفحه چند مرتبه از این واژه‌ها نام برده شده است، مانند صفحات یکصد و چهارم، یکصد و پنجاهم، یکصد و پنجاه و هفتم، چهارصد و سوم، چهارصد و پنجم، چهارصد و دهم، و...

۱۳. لحاظ عبارات عامیانه مانند «ندانم کاری» و «دست‌پاچگی» در صفحه بیست و هفتم و یا واژه‌ها و اصطلاحات غیرفارسی نظیر «سیستم» و «تکنولوژی» در صفحه چهل و یکم، نکته دیگری است که اصلاح آن‌ها می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

۱۴. در توضیح و گاه در طبقه‌بندی مطالب از خط تیره (-) به جای اعداد استفاده شده است که بدون تردید جایگزین اعداد مناسب‌تر خواهد بود. در این باره می‌توان به صفحات بیست و یکم، بیست و چهارم، سی و یکم، سی و چهارم، سی و پنج، یکصد و بیست و یکم، یکصد و بیست و دوم، یکصد و بیست و سوم، یکصد و هشتاد و هفتم، یکصد و هشتاد و هشتم، دویست و هفتاد و چهارم، دویست و هفتاد و پنج، دویست و هفتاد و ششم، دویست و هفتاد و هفتم، سیصد و چهل و هشتم، سیصد و چهل و نهم، سیصد و پنجاه و نهم، سیصد و شصتم و سیصد و هشتاد و ششم در چال اول کتاب اشاره نمود. هم‌چنین، به صفحات بیست و ششم، بیست و هفتم، دویست و سی و ششم، دویست و سی و هفتم، دویست و سوم، سیصد و یکم، سیصد و دوم، سیصد و دوم، سیصد و هفتم در چاپ اخیر استناد نمود.

ضرورت دارد که در این جا به یک نکته مثبت نیز اشاره گردد و آن این است که، پاره‌ای از ایراداتی در چاپ نخست وجود داشته است در اثر جدید بسیار کمتر شده است مانند استفاده کمتر از افعال ناقصه و یا کاسته شدن از گذاردن دو نقطه بیانی در مقابل عناوین.

۴،۱،۲،۳ پاورقی‌ها

در قسمت پاورقی‌ها می‌توان از سه اشکال عمده نام برد که عبارتند از:

۱. کامل نبودن مشخصات پاره‌ای از منابع مورد استناد مانند: صفحات پنجم، ششم، هفتم، چهل و یکم، چهل و دوم، هشتادم، هشتاد و پنجم، نود و سوم، یکصد و نوزدهم، و...
۲. رعایت نشدن ضابطه مربوط به تکرار منابع در صفحات گوناگون مانند: صفحات ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، هفدهم، چهل و یکم، چهل و دوم، هفتاد و ششم، هشتاد و پنجم، هشتاد و ششم، هشتاد و نهم، نودم، نود و یکم، یکصد و دوم، یکصد و پنجم، یکصد و ششم، یکصد و هفتم، و...

۳. استفاده نادرست از ضابطه تکرار در بیان مشخصات منبع مانند: صفحات پنجم، هفتم. بنابراین، به منظور مطابقت پاورقی‌ها با معیارهای نوین مربوط به چگونگی ارایه پانویس‌ها در مرحله نخست و تکرار آن، اعمال اصلاحات در صفحات زیادی از کتاب ضروری خواهد بود. البته این ضرورت در چاپ اخیر کمتر مطرح می‌باشد (امینی، پیشین: ۱۳۸).

۲,۲,۳ ایرادات ماهیتی اثر

۱,۲,۲,۳ در فهرست مطالب

در این فهرست موضوعاتی مورد توجه نگارندگان محترم قرار گرفته است که از یک سو، برای هماهنگی میان عنوان کتاب و متن آن ضروری است و از سوی دیگر، به منظور رسیدن به هدف‌های ایشان از تدوین آن بهره‌برداری‌های مناسب و مفید مراجع، متخصصین و اشخاص ذی‌صلاح و علاقه‌مند می‌بایست مطرح می‌گردید.

صرف‌نظر از دقت‌هایی که در تنظیم فهرست اعمال شده است، ایراداتی نیز به چشم می‌خورد که در دو قسمت قابل تقسیم می‌باشند:

۱. در نگارش و لحاظ برخی عنوان‌ها؛

۲. در برخی از طبقه‌بندی‌های عناوین؛

اکنون بدون تفکیک در مصادیق دو اشکال فوق، مهم‌ترین مصادیق آن‌ها (صرف‌نظر از آن که موادی از آن‌ها در مبحث ایرادات شکلی نیز قابل طرح می‌باشند، اما به دلیل تأثیرگذاری در ماهیت و ارتباط نزدیک این دو قسمت، در این جا مورد بررسی قرار خواهند گرفت) فهرست‌گونه بیان می‌گردد:

۱. در زیرمجموعه مقدمه فهرست، عنوان [تاریخچه پزشکی قانونی در ایران] ذکر شده است، در حالی که مقید کردن تاریخچه به «ایران» هنگامی قابل قبول است که از سایر کشورها نیز سخن به میان آید و حال آن‌که در این فهرست چنین عنوانی وجود ندارد؛ بنابراین، این قید و اساساً تکرار عنوان زیر مجموعه مقدمه ضروری ندارد. شایان ذکر است که این ایراد در فهرست چاپ اخیر برطرف شده است.

۲. عنوان بخش اول [اخلاق پزشکی] است در حالی که در زیرمجموعه آن از عناوینی یاد شده است که ارتباط مفهومی کامل و فراگیر با اخلاق پزشکی ندارند مانند:

یک: مسوولیت پزشکان؛

دو: مرگ مغزی؛

سه: مفاهیم حقوق شایع در طب قانونی؛

قابل ذکر است که این ایراد نیز در فهرست چاپ اخیر با افزودن عبارت [و حقوق پزشکی] اصلاح گردیده است.

۳. ضرورت اصلاح عنوان بخش دوم است. عنوان این بخش [مرگ‌شناسی و آسیب‌شناسی قانونی در مرگ‌ها] می‌باشد که جایگزین کردن عنوان دیگری مانند [آسیب‌شناسی قانونی مرگ]، [مرگ و آسیب‌شناسی قانونی آن] ناگزیر خواهد بود. در چاپ جدید نیز این عنوان بدون اصلاح در فهرست لحاظ شده است.

۴. وجود عناوین متعدد در متن و فقدان آن‌ها در فهرست مطالب. اصولاً می‌بایست مطابقت کامل و دقیقی میان عنوان‌های مذکور در فهرست مطالب و به کار رفته در متن وجود داشته باشد؛ به گونه‌ای که حتی از حیث نشانه‌های ویرایشی (نقطه- ویرگول- و...) نیز وجود این هماهنگی ضروری است؛ اما در موارد زیادی این نکته رعایت نشده است. از جمله عناوین موجود در متن که در فهرست مطالب ذکر نگردیده است عبارتند از:

یک: تاریخچه و اهمیت اخلاق پزشکی، صفحه شانزدهم؛

دو: پزشک به عنوان مطلع، صفحه بیست و یکم؛

سه: شرایط رضایت‌نامه معتبر؛ صفحه سی و چهارم؛

چهار: سردی جسد، صفحه هشتاد و چهارم؛

پنج: کبودی نعش؛ صفحه هشتاد و پنجم؛

شش: نکات کاربردی، صفحه هشتاد و ششم؛

هفت: جمود نعش، صفحه هشتاد و هشتم؛

هشت: جمود نعش آبی، صفحه نودم؛

نه: فساد نعشی یا گندیدگی جسد، صفحه نودم؛

ده: مومیایی شدن، صفحه نود و پنجم؛

یازده: گزارش معاینه جسد و طریقه تنظیم آن، صفحه یکصد و چهارم؛

دوازده: کالبدگشایی سفید، صفحه یکصد و پنجم؛

سیزده: سالم ماندن اجساد به طور طبیعی، صفحه یکصد و ششم؛

چهارده: نبش قبر، صفحه یکصد و هفتم؛

پانزده: ناخنها، صفحه یکصد و بیست و پنجم؛
شانزده: خفگی، صفحه یکصد و بیست و نهم؛
هفده: سنکوب، صفحه یکصد و سی ام؛
هجده: شوک چگونه رخ می دهد؟، صفحه یکصد و سی و یکم؛
نوزده: کما، صفحه یکصد و سی و دوم؛
بیست: خودکشی، صفحه یکصد و سی و سوم؛
بیست و یک: تفاوت خودکشی با جنایت، صفحه یکصد و سی و چهارم؛
بیست و دو: راههای خودکشی با جنایت، صفحه یکصد و سی و چهارم؛
بیست و دو: راههای خودکشی، صفحه یکصد و سی و ششم؛
بیست و سه: مساله وراثت از نظر تعیین وارث در مرگ های دسته جمعی، صفحه یکصد و سی و هفتم؛
بیست و چهار: صاعقه زدگی، صفحه یکصد و شصت و ششم؛
بیست و پنج: وجه تشابه و وجوه افتراق بین دیه و ارش، صفحه دویست و سی و -
چهارم؛
بیست و شش: انواع پرده بکارت، صفحه دویست و هشت و سوم؛
بیست و هفت: تعیین تاریخ ازاله بکارت، صفحه دویست و هشتاد و پنجم؛
بیست و هشت: ترمیم و دوختن بکارت، صفحه دویست و هشتاد و ششم؛
بیست و نه: سایکوز، صفحه سیصد و بیستم؛
سی: نوروزها یا اختلالات عصبی خفیف، صفحه سیصد و بیستم؛
سی و یک: اختلال شخصیت، صفحه سیصد و بیستم؛
سی و دو: عقب افتادگی ذهنی، صفحه سیصد و بیست و یکم؛
سی و سه: اختلالهای کنترل تکانه، صفحه سیصد و بیست و دوم؛
سی و چهار: اختلالهای روان تنی، صفحه سیصد و بیست و دوم؛
اشکال مزبور در چاپ کنونی نیز وجود دارد که برای مثال تنها به چند مورد اندک استناد می گردد.

یک: تاریخچه پزشکی قانونی در ایران، صفحه چهاردهم؛
دو: تاریخچه و اهمیت اخلاق پزشکی، صفحه هجدهم؛

سه: شرایط رضایت‌نامه معتبر، صفحه سی و ششم؛
چهار: مواردی بدون لزوم رضایت معاینه شونده، صفحه سی و ششم؛
پنج: گزارش معاینه جسد و طریق تنظیم آن، صفحه یکصد و ششم؛
شش: کالبدگشایی سفید، صفحه یکصد و هفتم؛
هفت: مومیایی کردن اجساد، صفحه یکصد و هفتم؛
هشت: سالم ماندن اجساد به طور طبیعی، صفحه یکصد و هشتم؛
نه: نیش قبر؛ صفحه یکصد و نهم؛
ده: یافته‌های معاینه جسد و کالبدگشایی، صفحه یکصد و هفتادم؛
یازده: ضایعات موضعی ناشی از سرما، صفحه یکصد و هفتاد و یکم؛
دوازده: قابلیت حیات داشتن، صفحه دویست و پنجاه و پنجم؛
سیزده: یافته‌های تولد نوزاد زنده، دویست و پنجاه و پنجم؛

۵. در عنوان فصل دوم از بخش سوم از عبارت [غوطه‌ور شدن] همراه با [غرق‌شدگی] نام برده شده است، در حالی که در عناوین زیرمجموعه این فصل فقط عبارت «غرق‌شدگی» مورد توجه قرار گرفته است که نشان‌گر مترادف بودن عبارت «غوطه‌ور شدن است»؛ همان‌گونه که در تعریف آن نیز این موضوع به خوبی قابل مشاهده است. بنابراین، می‌بایست عبارت مترادف حذف گردد.

۶. عنوان فصل اول از بخش چهارم [تعاریف ضرب و جرح] است، اما در متن کتاب تنها یک تعریف در این باره ارائه شده است و از این حیث، عنوان مزبور با متن مطابقت ندارد.

۷. عنوان فصل سوم بخش یاد شده به [صدمات ناشی از اجسام برنده و سلاح‌های سرد] اختصاص یافته است و در زیرمجموعه این فصل از واژه «جراحت» استفاده شده است. از نظر مفهومی صدمه اعم از جراحت است و نمی‌توان آن را تنها در مورد جراحت به کار برد. بنابراین، می‌بایست در عنوان به جای کلمه «صدمه» از کلمه جراحت و یا در عناوین بعدی از کلمه «صدمه» در عوض واژه «جراحت» استفاده شود.

موارد یاد شده در بندهای ۵، ۶ و ۷ در چاپ اخیر نیز وجود دارد که مستلزم اصلاح خواهد بود.

۸. صرف نظر از آن که در عنوان بخش پنجم و فصل اول آن از اصطلاح «حاملگی» نامبرده است و در ادامه فقط اصطلاح «سقط» مورد توجه واقع گردیده است، اما از آنجا که سقط جنین فرع بر مرحله بارداری است و در قانون مجازات اسلامی نیز اصطلاح «سقط» به عنوان یک رفتار مجرمانه و «جنین» از حیث موضوع و طرف این رفتار لحاظ گردیده است؛ می‌بایست واژه «حاملگی» حذف شده و تنها به کلمه «سقط» بسنده گردد. این ایراد در چاپ کنونی نیز برطرف نگردیده است و اشکال گفته شده همواره به قوت خود باقی است (حکمت، پیشین: ۲۷).

۹. در عنوان و زیرمجموعه فصل چهارم از بخش ششم کتاب ایراداتی وجود دارد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد:

یک: عنوان این فصل عبارت است از: [تعاریف حالت‌های روانی] که بهتر می‌بود لفظ مفرد تعاریف در عنوان لحاظ می‌گردید.

دو: در زیرمجموعه این فصل، واژه‌ها و اصطلاحاتی ذکر شده است که حالت محسوب نمی‌شوند، بلکه مربوط به تشخیص است که به این حالت‌ها مبتلا هستند. بنابراین، عنوان فصل با این موارد هماهنگی نخواهند داشت که در نتیجه یا می‌بایست این عنوان‌ها در جای دیگری مطرح و ارزیابی شوند و یا از طریق اصلاح عنوان فصل، نسبت به برطرف شدن این نقیصه اقدام کرد. عنوان‌های یاد شده عبارتند از:

نخست: مجنون، در صفحه سیصد و سی و ششم؛

دوم: دیوانه، در صفحه سیصد و هفتم؛

سوم: محجوب، در صفحه سیصد و هشتم؛

چهارم: غیررشید، در صفحه سیصد و چهل و دوم؛

۲،۲،۲،۳ ایرادات در متن

مهم‌ترین اشکالاتی که در کتاب مورد ارزیابی از حیث ماهیتی قابل طرح می‌باشد، فهرست گونه بیان می‌گردد:

۱. در سطرهای پنجم و ششم پاراگراف صفحه سوم (مقدمه) آمده است، جدیدترین اصول و مبانی پزشکی قانونی مورد استفاده حقوقدانان در این کتاب عرضه شده است، در حالی که مباحث مطروحه مفید بوده و کاربرد نیز دارند؛ اما مندرجات آن به منزله جدیدترین اصول و مبانی نیستند.

۲. استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در بررسی موضوعات مختلف، به دلیل نسخ قانون مزبور و اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ فاقد اعتبار می‌باشد و می‌بایست اصلاح گردد. از جمله این استنادات عبارتند از:

الف- استناد به ماده ۲۹۵ در موضوع انواع قصور پزشکی در صفحه بیست و ششم؛
ب- مستند قرار دادن مواد ۵۹، ۶۰، ۳۱۹ و ۳۲۲ در مقوله (مواردی که رضایت معاینه شونده لزومی ندارد)، در صفحات سی و پنجم و سی و ششم؛
ج- لحاظ مواد ۴۸۰ تا ۴۸۵ در ارتباط با آسیب‌های ناشی از تصادف رانندگی، در صفات دویست و دوم تا دویست و چهارم؛

د- استناد به موادی از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در مبحث تطبیق با قانون مجازات اسلامی در صفحات دویست و دوم تا دویست و چهارم؛

ه- توجه نمودن به مواد قانونی مربوط به موضوعات ارش (دیه غیرمقدر) و دیات نقص عضو، در صفحات دویست و سی و دوم تا دویست و سی و ششم؛

۳. از مهم‌ترین ایراد ماهیتی متن، ارایه تعاریف درباره تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات است که از جهات گوناگون دارای نقص بوده و یا قابل قبول نمی‌باشد. این جهات عبارتند از:

الف- ناقص و نارسا بودن برخی از تعاریف؛
ب- بسنده کردن به تعریف لغوی در مورد تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات؛
ج- عدم مطابقت مواردی از تعاریف بیان شده با تعاریف قانونی آن (اعم از قانون سابق و لاحق)؛
د- فقدان مستندات قانونی درباره تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات مطروحه؛
ه- استفاده نکردن از عبارات متون مربوط به اقوال، تعاریف و دیدگاه‌های فقهی در بیان مفاهیم و تعاریف اصطلاحات؛

درباره بسیاری از این واژه‌ها، مفهوم دقیق و تعریف مطلوب حقوقی ارایه نگردیده است که بدون تردید یک ایراد مهم و قابل توجه خواهد بود. عناوینی مانند: اخلاق حسنه، اراده، ارش، التزام، اولویت، بینه، تعزیر، تعلیق، جرم، جنایت بر نفس و اطراف، حقوق، خلاف، دیه، کودک‌آزاری، رجم، سب، صیغه، شروع به جرم، شخصیت، شخصی‌ها و...

در رهگذر برخی از واژه‌ها و عناوین، تنها به ارایه تعریف لغوی از آن‌ها بسنده شده است و مفهوم کامل‌تری درباره آن‌ها بیان نگردیده است که برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

التزام، اولویت، تخطی، تعلیق، جعل، زن متعه، زانی، زانیه، سب، صدق، ضابط عدلیه، شارع، شاک، ممسوح، منشور، منطوق، نفی بلد، نظام‌نامه، واخواست؛

موارد متعددی از واژه‌های مطروحه در فصل ششم دارای تعاریف قانونی و یا فقهی هستند درباره آن‌ها این تعاریف لحاظ نشده است و مطابقت کامل و یا قابل توجهی میان این تعاریف با تعاریف قانونی و یا فقهی وجود ندارد. از جمله مهم‌ترین عنوان‌ها و اصطلاحات مزبور عبارتند از: تعزیر، تسیب، تعلیق، جعل، جنایت، دفاع مشروع، دیه، سب، صغیر، شهادت، شاهد، شروع به جرم، مساحقه، نفقه؛

نزدیک به تمام عنوان‌هایی که دارای مستندات قانونی هستند بدون ذکر مواد قانونی مربوط، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که تنها به عنوان مثال به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. موارد یاد شده عبارتند از:

ابلاغ، اجرا، اهلیت تمتع، اهلیت استیفاء، اناطه، ارش، اقاله، بی‌مبالاتی، بی‌احتیاطی، تأمین دلیل، تعزیر، تعقیب، تعلیق، تسیب، توقیف، تدلیس، تقصیر، جرح، جعل، حرز، دادخواست، داور، درخواست، دعوی، دفاع مشروع، صلاحیت، رشد، رسیدگی، رسیدگی، رشید، راشی، رویه قضایی، سب، شاهد، شهادت، شروع به جرم، شجاج، صغیر، ضمان جریره، طلاق، قاذف، اقرار، قسامه، لوث، مختلس، مرتشی، مضطر، مطلع، مفلس، مفتری، موصی به، موصی له، نکاح، نشوز، نفقه، واخواست، وجه‌الضمان، وجه‌التزام، ورقه جلب، وکالت، ولی دم، هتک حرز؛

نهایتاً این‌که، تعداد زیادی از عنوان‌ها و واژه‌هایی که در این فصل به ارایه تعریف درباره آن‌ها اقدام شده است؛ صرف‌نظر از دیدگاه‌های حقوقی و قانونی، دارای جایگاه فقهی هستند که در مورد آن‌ها اقوال و تعاریف گوناگونی ابراز شده است، اما متأسفانه این مقوله در اثر منظور لحاظ نشده است که یک کمبود بسیار قابل توجه به شمار می‌رود. اندکی از این واژه‌ها عبارتند از:

ارش، اهلیت، اقاله، تعزیر، تسبیت، تعارض، تعدی، ترکه، تدلیس، تعهد، تمییز، تمثیل، تقبیل، جنایت، جهل، حمل، حیض، حرز، حضانت، حق‌الله، حق‌الناس، حکومت، خیار، دخول، دیه، دین، ذمه، رتق، رجم، رجوع، رساله عملیه، رشد، رضا، زانی و زانیه، صحت،

صحيح، صغير، شبهه، شرع، شك، صلح، ضامن جريره، طلاق (و انواع آن)، طهر، ظن، عاقله، عاريه، عادت، عنف، فراش، عطب، فسق، فضولي، فلس، قرابت (و انواع آن)، لعان، لوث، مباح، مترادف، متعدد، مجنون، مرتد، محرم، مساحقه، مكروه، منطوق، مهریه، ناشز و ناشزه، نسب، نحله، نسل، نص، نفقه، نکاح، نکول، نفی ولد، واجب (و اقسام آن)، نهی (و اقسام آن)، ولایت (و اقسام آن)؛

در خاتمه این قسمت توجه به سه نکته ضروری است:

۱. به دلیل آن که شرح مصادیق یاد شده در بندهای بالا سبب فزونی متن حاضر می‌گردید، بنابراین از این اقدام صرف‌نظر شده و فقط به ذکر موارد و عنوان‌ها اکتفا شده است.

۲. درباره اشکالات ماهیتی، نکات دیگری نیز وجود دارد که از اهمیت کمتری نسبت به مطالب مطرح شده برخوردار می‌باشد و به همین جهت از بیان آن‌ها امتناع شده است.

۳. عمده اشکالات ماهیتی وارده بر اثر مورد بررسی، در چاپ اخیر آن وجود دارد و برطرف نگردیده است.

۴. نتیجه‌گیری

بر اساس ارزیابی‌های شکلی و ماهیتی که درباره این اثر صورت گرفته است نقاط قوت و ضعفی به چشم می‌خورد که نیازمند توجه لازم می‌باشد. از جمله نقاط مثبت شکلی می‌توان به چگونگی صفحه‌آرایی، فاصله مناسب سطرها، حجم منطقی مطالب کتاب و مطابقت آن با واحد درسی مقطع کارشناسی رشته حقوق اشاره نمود. از حیث ماهیتی نیز طرح مباحث کاربردی پزشکی قانونی مرتبط با حقوق، به ویژه حقوق جزا، گردآوری و بررسی تعدادی از واژه‌ها و اصطلاحات مفید و کاربردی برای قضات، استادان و دانشجویان قابل توجه است.

به علاوه، این اثر حاوی ایرادات شکلی و ماهیتی نیز می‌باشد. مهم‌ترین آن‌ها که می‌بایست مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرند عبارتند از: اشکالات نگارشی، ویرایشی و دستوری متن از حیث ضرورت اصلاح برخی عبارات و واژه‌های مورد استفاده، نقایص موجود در فهرست مطالب مانند: نادرست بودن پاره‌ای از عناوین به لحاظ جمله بودن آن‌ها، مطابقت نداشتن برخی از عناوین اصلی با زیر مجموعه آن‌ها، فقدان ربط منطقی در مواردی

از عنوان‌ها و بخش‌های فهرست، وجود عنوان‌هایی در متن که در فهرست مطالب ذکر نشده‌اند. همچنین، وجود ایراد در چگونگی ارائه برخی از پاورقی‌ها، فقدان نتیجه‌گیری یا جمع‌بندی مطالب، ضعف در استناد به ضوابط و مقررات قانونی مکمل در تحلیل بعضی از مباحث مطروحه و مواردی از طبقه‌بندی موضوعات حقوقی ذکر شده، از جمله اشکالاتی هستند که برطرف کردن آن‌ها ضروری خواهد بود.

کتاب‌نامه

امینی، سید کاظم (۱۳۷۸)، آیین نگارش مکاتبات اداری، تک جلد، چاپ نهم، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

انصاری، ولی‌الله (۱۳۸۰)، کشف علمی جرایم، تک جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. حکمت، سعید (۱۳۶۹)، پزشکی قانونی و اخلاق پزشکی، تک جلد، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

سمیعی (گیلانی)، احمد (۱۳۷۸)، نگارش و ویرایش، تک جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. صبری، نورمحمد (۱۳۸۳)، درآمدی بر روش تحقیق در حقوق، تک جلد، چاپ اول، تهران: نشر میزان. غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۷۹)، راهنمای ویرایش، تک جلد، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت. کاخی، مرتضی (۱۳۷۸)، شیوه نگارش، تک جلد، چاپ سوم، ویراست دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر. کیانی-گودرزی، مهرزاد-فرامرزی (۱۳۹۳)، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، تک جلد، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.

در نگارش کتاب مورد ارزیابی از قوانین و مقرراتی استفاده شده است که مهمترین آنها عبارتند از: قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، مصوب ۱۳۷۹. آیین‌نامه اجرایی قانون پیوند اعضای بیماران فوت شده یا بیمارانی که مرگ مغزی آنان مسلم است، مصوب ۱۳۸۱.

قانون سقط درمانی، مصوب ۱۳۸۴. دستورالعمل اجرایی قانون سقط درمانی، مصوب ۱۳۸۴.

قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.